

که عید آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها!



تصویر ساز: سعید مرادی

کلیدواژه‌های مهم دید و بازدیدهای فAMILI!

معمولا همه رسم و رسوم ها، از جمله دید و بازدیدهای عید، کلیدواژه های رایجی دارند که مرور برخی از مهم ترین‌هایشان خالی از لطف نیست.

■ **بچه فامیل**
این دو کلمه لطیف، وقتی در کنار هم به کار می روند، چهار ستون بدن خیلی ها را می لرزاند. جوری که بعد از زلزله و گم شدن سوسک، مخوف ترین اتفاقی که برای یک خانه می تواند بیفتد، آمدن بچه فامیل است. بچه های زیر ۳ سال، سروصدا زیاد دارند اما خرابی زیادی به بار نمی آورند. نهایتا ممکن است دست های شکلاتی شان را با پرده حریری که برای درآوردن چشم فامیل خریدید، پاک کنند یا خامه ها را به میل بمالند. مخوف ترین رده سنی با اختلاف زیاد از دسته های دیگر، بچه های ۴ تا ۶ سال هستند. این بچه ها قایران هنوز از راه نرسیده، روی میل ها و رجه و رجه کنند، نسکافه شان را روی لپ تاپ شما بپزند، شکلات خوری کریستالی را که جویزه مامانتان هست پرت کنند و با شکستنش قاه قاه بخندند. منتها متأسفانه دست شما برای هر نوع برخوردی بسته است، چون صاف کف دست مامان و بابایان می گذارند. پس سعی کنید به یک نیشگون آتفا و از شوت کردن این بچه ها جدا خودداری کنید چون ممکن است کودک موردنظر دوره مهارت های رزمی و دفاع شخصی گذرانده باشد. این گروه سنی یک عادت زشت دیگر هم دارند که هنوز در باز نکرده، گوشی یا لپ تاپتان را می خواهند تا بازی کنند. اگر مجبوری توی ودر بایستی تسلیم شوید، بهتر است برای حفظ آبرویان جلوی فامیل، قبلیش تمام فایل های مورد دار را پاک کنید. از ما گفتن بود.

■ **گوشه کنایه**
اصلا خون آریایی در رگ هایت نیست اگر چشمت که به فامیل می افتد، طعنه، کنایه، متلک و تکه نندازی. کنایه زدن جزئی از فرهنگ ماست؛ هر کسی هم مشکل دارد، خب مشکل خودش است و خودش حلش کند. کنایه زدن به این شکل است که تا اشک یکی از اعضای فامیل ترجیحا باجتان، جاری، مادر شوهر، عروس، خواهر شوهر، زن داداش و... را در نیابوری، آرام نمی گیری. معمولا کنایه زدن با این جملات شروع می شود: «پارسال دوست، امسال آشنا» یا «خبر می دادید یک گاو، گوسفندی، شتر مرغی قربانی می کردیم، یا یاد فقیر فقرا کردید؟» این جملات با وجود این که از فرط خز بودن، جلبک بستند ولی هنوز در فرهنگ ایرانی و روابط فامیلی با قدرت مورد استفاده قرار می گیرند.

■ **گله گزاری**
یکی از رسو می که در بعضی روابط فامیلی به خصوص در جمع خانم ها، بدون چون و چرا هر سال باذقت اجرا می شود، مراسم گله گزاری است. به این صورت که تمامی اعضای حاضر در جلسه از هر مسئله ای که دالخورند، روی دایره می ریزند. دیالوگ ها هم معمولا اینطور ی است: «پارسال مجلس الهام خانم یادتونه؟ برای من چایی آوردید، قندان نیابوردید!» «توی سیزده به در پارسال، به همه میوه تعارف کردید غیر بچه ۴ ماهه من، فقط بچه من اضافی بود؟» یا «روی شله نذری که واسمون آورده بودید، قیمة ترخه بودین ها، یادتون باشه.» البته گاهی مراسم گله گزاری به خشونت منتهی می شود که می گذریم و می رویم بخش بعد.

■ **قهر و آشتی**
اصلا از قدیم گفتند قهر، نمک روابط فامیلی است ولی اگر توی دید و بازدید امسال، یک دفعه دیدید یکی از اعضای فامیل بعد از ۱۵ سال و ۵ ماه و ۶۵ روز قهر به عید دیدنی تان آمده، خونسردی خودتان را حفظ و این چند مورد را چک کنید:

۱. احتمالا قبل از عید ترفیع نگرفتید؟ مدیر و معاون جایی نشدید که بتوانید دست فرزند فامیل مربوطه را جایی بند کنید؟
۲. دختری یا پسری در هر دو خانواده وجود ندارد که باعث وصلت دو خانواده بشود؟
۳. اگر فامیل مربوطه، زیادی صمیمی و مهربان شد و شما را برای ناهار یا شام به خانه اش دعوت کرد، تبریک می گویم. شما به عنوان یک ضامن معتبر بانکی برای گرفتن یک وام سنگین انتخاب شدید!
ولی اگر هیچکدام این‌ها نبود، خب شاید واقعا بنده خدا دلش برای شما تنگ شده، نیمه پر لیوان را هم بینید، ایقدر بدبینی خوب نیست.

■ **کادو و عیدی**
توی هر فامیل یک دست پارچ و لیوان، یک دست استکان نعلبکی و یک ساعت دیواری وجود دارد که در طول سال بین خانه ها و خانواده های مختلف جابه جا می شود. مورد داشتیم بعضی از بزرگان یک فامیل بعد از بررسی یک کادو متوجه شدند یک مرغ خوری گل سرخی، تقریبا ۶ نسل است که دست به دست دارد بین اقوام می چرخد!

■ **سفر فامیلی**
یکی از مخوف ترین کلیدواژه های این ایام! در دید و بازدیدهای عید، ممکن است فامیل بپرند ادامه تعطیلات را سفر می روید؟ و گاهی اوقات به محض این که از مقصد مورد نظرتان مطلع می شوند، برای همراهی اعلام آمادگی می کنند. منتها متأسفانه طبق تجربه، همیشه بدحساب ترین، خسیس ترین و اسکرچ ترین اعضای فامیل که هیچوقت دنگشان را در سفر نمی دهند، هوس می کنند با شما همسفر شوند ولی از بد حادثه، بدحساب ترین‌ها، خوش خوراک ترین‌ها هم هستند و سفر رفتن با این خانواده ها، نوعی ورشکستگی مالی بالقوه محسوب می شود.

زندگی

خاموشی. آخرین ترانه افشین



یعنی می‌شود این «هنرمندمرگی» سیاه را که به جان این سال سخت افتاده، عادی تلقی کرد و از کنارش گذشت؟ آیا یعنی فقدان هر کدام از این هنرمندان به مثابه فرورفتن دنیایی از اندیشه و هنر و خلایقیت در زیر انبوهی خاک نیست؟! کافی است به صفحات شخصی هنرمندان در فضای مجازی سری بزنیم تا ببینیم همه در شوک این پایان تلخ، این سیاهی رعب‌انگیز ایسن هیاهوی مرگ فرورفته‌اند، تا ببینیم همه دارند با دلهره پایان ۹۵ را انتظار می‌کشند. این آخرین خبری هم که منتشر شد، انگار همه را با خوروی «افشین‌بداللهی» به‌ضربه آخر رساند، به آخرین مصراع بی‌ضرباهنگ زندگی! شاعر ازلی چشم‌ها به ابدیت سفر کرد، در جاده‌ای که ترانه خاموشی را سرود. این ترانه‌سرای نامی کشورمان که تیتراژ بسیاری از سریال‌ها با ترانه‌ها و اشعارش حال و هوایی ماندگار پیدا کردند، بیش از آن که فکرش را بکنیم به دلمان نزدیک بود، کافی است حتی اگر تا حالانمی‌دانستیم شاعر این ابیات کیست، با خواندن این شعرها ببینید کجای دلتان هوای افشین را می‌کند: «از کفر من تا دین تو، راهی به جز تردید نیست! / دلخوش به فانوس‌مکن، اینجا مگر خورشید نیست؟» او! «می‌شه خدا رو حس کرد تو لحظه‌های ساده / تو اضطراب عشق و گناه بی‌اراده / بی‌عشق عمر آدم بی‌اعتقاد می‌ره / هفتاد سال عبادت یک شب به باد می‌ره» و این شعر آشوب‌رانگیز که با صدای «علیرضا قربانی» همواره نام و یاد یاداللهی را زنده نگاه خواهد داشت: «وقتی گریبان عدم با دست خلقت می‌درید / وقتی ابد چشم تو را / پیش از ازل می‌آفرید / وقتی زمین ناز تو را / در آسمان‌ها می‌کشید / وقتی عطش طعم تو را / با اشک‌هایم می‌چشید / من عاشق چشمت شدم / نه عقل بود و نه دلی / چیزی نمی‌دانم از این دیوانگی و عاقلی».

چاره‌ای نیست، مرگ، مقدر انسان‌هاست و انسان‌ها مقدر شده مرگ هستند. انسان‌ها مرگ زندگی‌اش، انسان‌می‌شود. روزهای آخر سال در سوگ شاعری نستسیم که ترانه‌هایش خانه‌هایمان را مهمان صدای خدا می‌کرد. متأسفانه در بیست‌وپنجمین روز اسفند، مسیر هشتگرد - تهران شاهد تصادفی بود که خبر درگذشت «افشین یاداللهی» را روی خروجی خبرگزاری‌ها منتشر کرد. ساعت ۲ یامداد چهارشنبه، لحظه وداع زندیدان یاداللهی است که سرهنگ رحمانی (رئیس مرکز فرماندهی و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا) در گفت و گو با ایلنا درباره آن گفت: ساعت ۲ یامداد امروز در آزادراه کرج-قزوین کیلومتر ۳۷ بر اثر برخورد خودروی سواری سورتو با کشنده ایوبکو، افشین یاداللهی ترانه‌سرا که راننده خودروی سورتو بود، درگذشت. وی افزود: علت اولیه این حادثه توقف ناگهانی در سطح آزادراه از سوی سواری سورتو نبوی توجهی به جلو یا سوی کشنده ایوبکو بوده است. همچنین گفته می‌شود همسر و برادر همسر افشین نیز در این تصادف آسیب دیده‌اند.

باید و نبایدهای یک

عید دیدنی معقول!

■ **علیرضا کردار**- یکی از آیین و رسوم ما ایرانیان، دید و بازدید عید نوروز است که همزمان طرفداران و مخالفان سرسختی دارد. طرفدارانی که هرسال این مراسم را باشکوه بیشتری برگزار می‌کنند و مخالفانی که عمرا حوصله از این خانه به آن خانه رفتن و مراج کردن و خوردن شیرینی‌های من‌درآوردی را ندارند. شاید مرور چند راهکار ساده برای معقول‌تر کردن این دیدارهای رفت و برگشتی، هم به آن طرفی‌ها و هم به آن طرفی‌ها کمک کند. ■ لازم نیست بلافاصله بعد از در شدن توپ سال نو، زنگ خانه میزبان را بسوزانیم. تغییر ساعت را به یاد داشته باشیم و فرصت دهیم تا دست‌کم شلوارشان را روی پیژامه بپوشند و زیر کتری چای را روشن کنند. ■ از هجوم قبیله‌ای بپرهیزیم! جدای از این که هر خانه‌ای یک گنجایش ثابت دارد، هر میزبانی هم یک توان محدود در پذیرایی دارد. حواسمان باشد قرار نیست میزبان در نقش خدمتکار، یک نفس در حال سرویس داریم سر خوراکی‌های خودمان بیابورند. ■ در عید دیدنی‌ها، زمان کمتری بشنیم تا میزبان فرصت تجدید قوا، بر کردن ظرف شیرینی، ریختن پسته و بادام سرریز روی کاسه آجیل، آب ریختن سر سماور و شستن ظرف‌ها را داشته باشد! به آجیل و شیرینی و میوه مردم به چشم خوراکی‌های خودمان نگاه کنیم و همان کاری را با آن‌ها بکنیم که دوست داریم سر خوراکی‌های خودمان بیابورند. ■ در هر مهمانی یک نوع خوراکی بخوریم. یک جاک چای، جای بعدی شیرینی و بعدی میوه. تا با بدن سالم تا پایان تعطیلات دوام بیابوریم و بعد از تعطیلی‌ها به جای محل کار، سر از کلینیک در نیابوریم. ■ گوشی‌های تلفن را برای دقایقی کنار بگذاریم تا هم اقوام را بهتر بشناسیم و هم آنها چهره‌مان را واضح ببینیم. ولی اگر قرار است سوال‌های همیشگی، بی‌ربط، غیرمهم و بی‌ارزش بپرسیم، یا غر بزنی و به زمین و زمان بد و بیراه بگوییم، همان بهتر که سرمان در گوشی باشد. ■ اگر تمام سال کاور روی میل‌ها را برنمی‌داریم و مهمان‌ها با نشستن روی پلاستیک سر می‌خورند و عرق می‌ریزند، دستکم در این چند روز روش‌ها را برداریم تا چشم مهمانان به جمال میل‌هایمان روشن شود. نگران نباشید؛ لباس‌های عیدشان نشان است و تمیز است. ■ دیدارها را می‌توان به جای خانه‌های فسقلی، در فضای باز هم برگزار کرد. ناسلامتی سال نو شده و همه‌جا سبز است، البته اگر دیگران سبزه‌ای باقی گذاشته باشند. ■ در نهایت عیدی فراموش نشود. هم عیدی بدهیم و هم عیدی بگیریم، حتی با التماس یا به زور! و چه عیدی بهتر از کتاب، پول نو و جهم و ضرر، پول کهنه هم قبول است.



تصویر ساز: مریم منصور